



فرهنگ‌نامه ایرانشیستی

مؤلف: علی عبدالرضایی

گردآوری: هیئت تحریریه حزب ایرانشیست

فرهنگ‌نامهٔ ایر‌آنا رشیستی

یک توضیح:

در زبان پارسی و به‌ویژه در فضای سیاسی ایران، تاکنون فرهنگ‌نامه‌ای سیاسی و براندازانه که مختص جنبشی باشد وجود نداشته و ادبیات سیاسی، به‌دلیل سانسور و تحمیق چندصدساله، از این لحاظ همواره با فقدان روبه‌رو بوده است. اکنون با توجه به تاثیر سخنرانی‌های تند و تیز «علی عبدالرضایی» بر براندازان، به ادبیات سیاسی تازه‌ای رسیده‌ایم که افشاگر بلاهت و ریاکاری ۱۴۰۰ ساله‌ست و از این لحاظ توانسته‌ایم به فرهنگ‌نامه‌ای براندازانه و به‌شدت رادیکال دست یابیم؛ فرهنگ‌نامه‌ای که با نوک تیز و اژگان‌اش می‌توان به جنگ با بلاهت ۱۴۰۰ ساله و استعمار اسلامی پرداخت و آزادی را با خشمی تازنده فریاد زد. «فرهنگ‌نامهٔ ایر‌آنا رشیستی»، حاوی تندترین و شعوری‌ترین واژه‌های سیاسی‌ای است که تاکنون در ادبیات پارسی به‌وجود آمده و طی دو سال اخیر، در مبارزات نرم و شعارهای خیابانی و دیوارنویسی‌ها، توسط پارتی‌سان‌های ایر‌آنا رشیست و جوانان مبارز و برانداز ایرانی، به‌کار گرفته شده و بازخورد بسیار بالایی در میان ایرانیان داشته است. «علی عبدالرضایی» با نگاه و تفکری نو، ادبیات تازه‌ای به نام «ادبیات براندازی» را تولید و با استفاده از این ادبیات، «قدرت زبان» را به جنگ با «زبان قدرت» سوق داده و طی دو سال اخیر، ضربه‌های بسیار مهلکی به پیکرهٔ پوشالی اسلام سیاسی و ملایان و جمهوری اسلامی وارد کرده است. در این فرهنگ‌نامه، معنای هر واژه در زیر آن قرار گرفته و واژه‌های نو، در ماه‌های آتی اضافه خواهند شد.

آ-ا

آخوندیسم

گرایش سیاسی با محوریت اندیشه‌های ارتجاعی ملایان شیعی.

آیدولا، آلتولا

نامیده‌ای برای «آیت‌الله».

احمدی‌نژاد

نامیده‌ای برای «محمود احمدی‌نژاد».

آبر قدرت دوم

نامیده‌ای برای مردم و قدرت آنان.

انیرانی

غیرایرانی، ضدایرانی.

اکت خیابانی

عملیات‌های خیابانی پارتی‌سان‌ها.

ادارات رفراندوم

اداراتی که در ساختار سیاسی پیشنهادی حزب براندازان، جهت استقرار در تمام شهرها در

نظر گرفته شده و به‌طور مستقیم توسط مردم اداره خواهند شد. این ادارات بر فعالیت مسئولان

ساختار سیاسی آینده نظارت مستقیم خواهند داشت و هر شش‌ماه یکبار با برپایی رفراندوم

سراسری، موجبات عزل و یا تداوم کارشان را فراهم خواهند کرد.

استعمار اسلامی

دلیل عقب‌ماندگی کشورهای خاورمیانه استعمار اسلامی‌ست که زبان و اعتقادات و بودوباش فردی و جمعی را تحت سیطره خود قرار می‌دهد. در واقع، وجود استعمار اسلامی، پیش‌نیاز ورود استعمار کشورهای قدرت‌مندی چون روسیه و آمریکا است. استعمار اسلامی، از لحاظ عقیدتی و عقلانی سبب تحقیر و تحمیق فرد از درون می‌شود؛ ذهن شخص را از بلاهت و خرافه آکنده می‌کند؛ او را از درون تهی و هویت‌زبانی و انسانی‌اش را سلب می‌کند و بی‌آنکه بفهمد، از وی یک مّوالی (غلام، برده) می‌سازد. انواع نام‌هایی چون «غلام‌حسین و غلام‌حسن» که در کوچه‌ها و خیابان‌ها پاشیده شده، نشان از همین استعمار هزار و چهارصدساله دارند که متأسفانه تاریخ و تمدن و فرهنگ ایرانی را به نابودی کشانده است.

اسهال‌طلبان

نامیده‌ای برای «اصلاح‌طلبان».

انتصابات

ریشه در «نصب؛ قرارداد» دارد؛ کسی را در جایگاهی گذاردن. موتا، باوری به رأی و حضور در انتخابات ندارد و معتقد است کلماتی مانند «انتخابات و رأی‌گیری» تنها جهت تزیین «انتصابات» به‌کار برده می‌شوند؛ چون در جمهوری اسلامی، مردم (رأی‌دهندگان) از کوچک‌ترین ارزشی برخوردار نیستند و در تاریخ چهل‌ساله جمهوری اسلامی مدام نتایج انتخابات را رأی‌شماران رقم زده‌اند، نه رأی‌دهندگان.

امام‌مکان

نامیده‌ای برای امام هشتم شیعیان و کنایه‌ای به تبدیل‌شدن مشهد به پاتایای جهان اسلام و پایگاهی جهت شهوترانی توریست‌های عرب.

استمرار طالبان

نامیده‌ای برای اصلاح‌طلبان و هر شخص یا گروهی که خواهان استمرار وضعیت فعلی ایران و احیای جمهوری اسلامی باشند.

استمرار طلبی

گرایش سیاسی که مایل به ادامه حیات جمهوری اسلامی در ایران است.

ایران‌شیسم

گرایش سیاسی‌ست که بر پنج اصل «لیبرترینیسم، اکوسوسیالیسم، نوکمونالیسم، اکوآنارشیسم و خرد باستانی» استوار است. تئوریسین و نظریه‌پرداز این نحله سیاسی «علی عبدالرضایی (موتا)»، شاعر، نویسنده، نظریه‌پرداز و سیاستمدار ایرانی است.

ایران‌بان

محافظ ایران.

ایران عنترآشغال

نامیده‌ای برای شبکه تلویزیونی «ایران اینترنشنال».

ایران، گورستان زباله اتمی

نامیده‌ای برای ایران، به‌عنوان محلی برای دفن زباله‌های اتمی روسیه.

این‌طلب

کیرطلب؛ حزب بادی و بی‌پرنسیب.

ب

بالماسکیزاسیون

مجموعه اقدامات نمایشی‌ای که سیاست‌بازان ریاکار ایرانی، برای پیشبرد اهدافی که در پشت پرده دارند، به نمایش می‌گذارند.

براندازم

اصطلاحی که براندازان برای جداکردن مسیر خود از انواع اپوزیسیون‌ها و جایگزین‌های جمهوری اسلامی، برای خود برگزیده‌اند.

براندازی

فروپاشی جمهوری اسلامی و پایان اسلام و کوتاه‌کردن دست استعمار از ایران.

براندازنما

مزدوری که در لباس یک برانداز ظاهر می‌شود.

بلاهت‌شاهی

پادشاهی و حکمرانی بلاهت.

بسیجی‌کراواتی

مزدورهای صادراتی جمهوری اسلامی که در لباس اپوزیسیون، اهداف و گفتمان حکومت را پیش می‌برند.

بسیج‌گش

نامیده‌ای برای بسیجی‌ها یا همان جاکشان حکومت جمهوری اسلامی.

بنردری

پارمکردن یا به‌آتش‌کشیدن بنرهای حکومتی.

بگادَران

کنایه‌ای از واژه «برادر» که بسیجی‌ها و پاسدارها به بسیاری از آن استفاده کرده و این واژه را به لجن کشیده‌اند؛ برادران به‌گارفته.

پِشاش به سنّت

سنّت را دور بریز.

بی‌بی‌سی‌کینه

نامیده‌ای برای «شبکهٔ BBC فارسی».

پ

پارتی‌سان

به سان یک «پارتی»؛ جنگجویی که از روش‌های جنگی «پارتیان» الگو می‌گیرد.

پاسدار فوبیا

انزجار داشتن از پاسدارها.

پاسدارگایی

عملیاتی برای ضرب‌هزدن و تزریق ترس به پاسداران.

پان‌مزدوریسم

فعالیت برخی از گروه‌های خائن، با عناوینی چون پان‌ترک، پان‌کرد و... که در خدمت جمهوری اسلامی و برخی دیگر از کشورهای همسایه هستند.

پَرجام

نامیده‌ای برای «برجام».

پتروس رژیم

نامیده‌ای برای «سیدمحمد خاتمی».

پورنوپلیتیک

کمپینی برای اعتراض سیاسی که در آن از بدن برهنه به‌عنوان پیام‌رسان استفاده می‌شود.

پوتین‌گایی

عملیاتی جهت افشاء و رسوایی «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهور روسیه.

پاسدار پهلوی

نامیده‌ای برای «رضا پهلوی» که در مصاحبه‌های خود مدام تکرار می‌کند: «من با سرداران سپاه در ارتباط هستم».

پیروپاتالیسم

نامیده‌ای برای سیاست‌بازان ریاکار سنتی، سالخوردگان منفعل و محافظه‌کار در فضای سیاسی ایران که جز بلاهت هیچ‌چیز جهت ارائه ندارند.

ت

تازی سم

«تازی» نامیده‌ای است که ما با آن اسلامیست‌ها را صدا می‌زنیم؛ اسلامیست‌ها یعنی کسانی که شغل آن‌ها مسلمانی است، یعنی ایدئولوژیست‌های مسلمان؛ مسلمان‌هایی که ایدئولوژیک رفتار می‌کنند؛ یعنی دیکتاتور‌هایی که در ذهن خود یک میکرو دیکتاتور دارند و هر کسی را که مثل آن‌ها فکر نکند، گردن می‌زنند. در واقع، «تازیسم» می‌تواند به «نازیسم» هم ربط داشته باشد، یعنی به‌نحوی نژادپرست هم به حساب می‌آیند؛ اگر نازی‌ها نژاد آریایی را عمده می‌کنند، این‌ها تنها روایت محمد را حقیقت می‌پندارند، یعنی معتقدند «هر که در خط اسلام است با ماست و آنکه نیست، کون لقاش، باید گردن‌ش زده شود».

تایلند جهان اسلام

نامیده‌ای برای شهر مشهد و کنایه‌ای از سکس فراوان و ارزان برای زائرین حرم رضا.

تظاهرات خَطّی

برای اینکه نیروی سرکوبگر در محل شروع تظاهرات کمین نکند؛ به‌جای آنکه محل شروع تظاهرات را در یک نقطه مشخص (میدان و یا مکانی خاص) قرار دهیم، طول یک خیابان را محل شروع تظاهرات انتخاب می‌کنیم و پیش از شروع، مردم به‌طور گسترده در یک خیابان، بین دو میدان رفت‌وآمد می‌کنند و این حرکت تا وقتی ادامه خواهد داشت که بنا به تشخیص «شورای هماهنگی تظاهرات»، در جایی بحران و شلوغی ایجاد کنند و شعار دهند تا بقیه که در اطرافشان هستند، به‌سرعت به آن‌ها بپیوندند.

تظاهرات هدفمند

اشاره به تظاهراتی دارای برنامه و اهدافی مشخص، با پایین‌ترین تلفات و هزینه و بالاترین بهره‌سیاسی و اجتماعی.

توهم ترس

طی چهل‌سال اخیر، جمهوری اسلامی با رسانه‌های داخلی و برون‌مرزی خود موفق به تزریق توهم ترس به بدنه جامعه شده طوری که بخشی از مردم ایران (بیشتر طبقه متوسط) به‌ندرت در تظاهرات خشم‌محور و براندازانه شرکت می‌کنند.

تیول فمینیستی

آن دسته از فاطمی‌کماندوها و زنان استمرارطلبی که با توجه به امکانات حکومتی از شهرت و قدرت رسانه‌ای برخوردار شده‌اند و زنان ساده را جذب کرده و از شدت خواست‌های سیاسی و برابری‌طلبانه آنها تحت عناوینی چون «آزادی یواشکی» یا فعالیت صرفن مدنی می‌کاهند.

ج

جاوید مردم ایران

شعاری برای ایجاد همبستگی میان مردم، در مقابل شعار سلطنت‌طلبان (جاویدشاه).

جاعش

ترکیبی از دو واژه «جاکش و داعش»، مخفف جمهوری اسلامی عراق و شام؛ نامیده‌ای برای مزدوران حکومت ملاتاریا.

جشن‌ماه محرم

نامیده‌ای برای ماه محرم که موسم جشن اهل تسنن است. آغاز سال نوی قمری و همچنین ماهی برای مبارزه عیاشانه با استعمار اسلامی و نام یکی از شعرهای «علی عبدالرضایی».

جنده‌کماندو

آن دسته از مزدوران زن در جمهوری اسلامی که همزمان در خدمت جهاد نکاح و گشت ارشاد هستند؛ فاطمی‌کماندو.

چ

چپِ مَلّی

چپ‌های ایرانارشیست که برخلاف چپ‌های سنتی ایرانی، توجه ویژه‌ای به منافع مَلّی دارند.

چپِ اسقاطی

نامیده‌ای برای چپ‌هایی چون «حزب توده و فداییان اکثریت».

چپِ توریستی

چپ‌نماها یا کسانی که تظاهر به «چپ‌بودن» می‌کنند و «چپ» تنها پزیشان است.

چپِ شعوری

چپ آگاه و روشن‌گر و پیشرو.

چهارده‌مسموم

همان چهارده معصوم و البته نامیده‌ای برای چهارده امضاکننده «درخواست استعفای سیدعلی خامنه‌ای».

چلبیزاسیون

مجموعه فعالیت‌هایی شبیه به اقدام آمریکا در به‌قدرت‌رساندن «احمد چلپی» در عراق.

چیزکشی

جاکشی سیاسی.

حرام‌جامگان

سیاه‌پوشان حسینی.

حضرت پدوفیلی: نامیده‌ای برای پیامبر مسلمانان، «محمدبن عبدالله»، که با یک کودک (عایشه) ازدواج کرد.

حجت‌دول اسلام

معادلی برای «حجت‌الاسلام».

حسین فیک سیاوش

اشاره‌ای به مراسم «سیاوشان یا مرگ سیاوش» که برگزاری آن با فتوای محقق کرکی در زمان صفویه ممنوع شد و جای خودش را به عزاداری عاشورا بخشید و بعد از آن تمام ویژگی‌های اسطوره ایرانی «سیاوش» را به «حسین بن علی» قاتل زنان ایرانی در نبرد گرگان نسبت دادند.

حکومت ملاحاهی

حکومتی که در آن «سلطنت و تئوکراسی» با هم ادغام شده باشند.

حکومت زامبیستی

اشاره‌ای به حکومت ملایان در ایران که مانند زامبی‌ها، آیینی اهریمنی را از ۱۴۰۰ سال پیش، در ایران کنونی احضار کرده‌اند.

خ

خایه‌منی

خایه من هستی؛ نامیده‌ای برای تحقیر «سید علی خامنه‌ای».

خایمنی سردارگش

نامیده‌ای برای «علی خامنه‌ای» که به محض قدرت‌گرفتن سرداران سپاه، دستور قتل آن‌ها را صادر می‌کند.

خشم‌محور

بر مبنای خشم.

خشم زرد

اشاره به عملیات خشم‌محور جلیقه‌زردهای فرانسه.

خبرگزاری العقبیه

خبرگزاری العربیه که چندین بار علیه موتا لجن‌پراکنی کرد و حتی یکبار در نهایت وقاحت، مصاحبه‌ای جعلی را به‌نام «گفت‌وگو با علی عبدالرضایی» منتشر کرد.

خرابکارم

نام دیگر پارتی‌سان‌های ایرانارشیست، دیکانستر اکتیویست‌های خیابانی‌ست که مدام به ساختارشکنی علیه جمهوری اسلامی می‌پردازند. از این لحاظ برخلاف دیگر احزاب ایرانی، ایرانارشیست‌ها از اینکه «خرابکار» خوانده شوند، نه تنها هیچ شکایتی ندارند، بلکه به آن افتخار می‌کنند.

خزرپر

نامیده‌ای برای قرارداد ننگین جمهوری اسلامی که طی آن، دریای خزر (کاسپیان) را به روسیه و دیگر همسایگان شمالی ایران، واگذار کرد.

دویچه صادق وله

نامیده‌ای برای «خبرگزاری دویچه وله» آلمان که در حمایت از مزدور «صادق زیباکلام»، جایزه آزادی بیان را به وی اهدا کرد.

دی‌یو؛ دیو

DIU: «دی» به معنای درخشش و «یو» نیز جاودان معنا می‌دهد. از نظر موتا، «دیو» نه تنها به معنای غول و هیولا نیست بلکه حکایت از اندیشه برتر گیلانیان نسبت به تازیان دارد که تا قرن‌ها اجازه ندادند اسلام وارد گیلان شود. در واقع، «دی‌یو» به معنای روشن بینی و درخشش تفکر و قدرت جاویدان است. گرچه دیوها از زمره بازماندگان گیل‌گمش (در زبان گیلکی به تنومندی و قدرت گاومیش) محسوب می‌شوند و از لحاظ ظاهری غول‌پیکر بوده‌اند، ولی قدرت اصلی‌شان به خاطر بینش و شعور بالای‌شان بوده است. متأسفانه همان‌طوری که نام اسطوره‌های بزرگی چون «دیوس و موتا» پس از هجوم تازیان به ناسزا بدل شد، دی‌یو نیز رفته‌رفته «دیو» خوانده شد و معنای مسخره «غول» گرفت.

دیوار تکانی

عملیات پاک‌سازی دیوارها از نشانه‌های جمهوری اسلامی.

دیوس

از «دیوسالار» می‌آید، یکی از اسطوره‌ها و فرماندهان بزرگ پارسی که از درخشش جاودان برخوردار بود و تازیان از عظمت و شهرت او آنقدر وحشت داشتند که از آن به‌جای ناسزا استفاده کردند و رفته‌رفته به ناسزایی مصطلح بدل شد. اساسن به این دلیل است که موتا از

اسامی امامان تازیان جای فحش استفاده می‌کند، مانند «مرتیکه حسن» که معنای اُبنه‌ای می‌دهد، یا «حسین» که یعنی بچه‌خوشگل.

رادیو فردا دادادی

نامیده‌ای برای «خبرگزاری رادیو فردا».

رکیک پارتی

کمپینی عیاشانه که در آن براندازان مزدوران حکومت را با نوک تیز واژگان خود هدف می‌گیرند.

رَهْخَر

نامیده‌ای برای رهبر کثیفی‌ها (سید علی خامنه‌ای).

رمه‌پروری

کنایه‌ای به پروژه نادان‌سازی مردم توسط مدیاهای حکومتی و براندازنما.

رُزَا یَقْلَوِی، رِزَا پَهْلَوِی، رِضَا یَقْلَوِی

نامیده‌هایی برای «رضا پهلوی».

رُزَا پارکس میدان انقلاب

نامیده‌ای برای «دختر خیابان انقلاب» که با نام «ویدا موحد» معرفی شد.

روسپیه

نامیده‌ای برای روسیه، سرزمین روسپی‌ها.

ریال‌پشم

بی‌اعتبار شدن پول ایران.

... رو کی می؟!

کنایه‌ای از بی‌ارزش بودن کسی یا چیزی؛ به‌طورمثال، ملا رو کی می‌گاد؟!

ز

زامبی

ملا و مرتجع و هر آنکه بخوهد عقاید منحط هزاران سال قبل را اکنون احیاء کند.

س

سارازنانِ پارتی‌سان

نامیده‌ای برای شیرزنان برانداز با الهام از نام «سارای»، قهرمان غایب قیام فرودستان.

ساندویچ کوکتل

نامیده‌ای برای «کوکتل مولوتف».

سازمان مشاهدان جلق

نامیده‌ای برای «سازمان مجاهدین خلق».

سیدیده

کنایه از کسی که مورد تجاوز قرار گرفته است.

سلبریدی

نامیده‌ای برای هنربندان و سلبریتی‌های حکومتی.

سپاه قزاق پاسداران

اشاره به سپاه پاسداران که تحت فرمان روسیه، اعمال قدرت می‌کند.

سربار سه‌پا

سردار سپاه.

سردار سه‌پا لای پاست

کنایه از کیر و خایه، گزاره‌ای برای تخریب سرداران سپاه پاسداران.

سطل عن‌طلب

سلطنت‌طلب.

سپاه موالی

سپاه بردگان روسیه.

سپاه پارس خواران

نامیده‌ای برای «سپاه پاسداران» که مدام از خون ایرانیان تغذیه می‌کند.

مادر سید خندان

حرام‌زاده خندان، نامیده‌ای برای «سید محمد خاتمی».

سید علی خایمی

سید علی خامنه‌ای.

سید علی اهریمنی

سید علی خامنه‌ای.

سیدالاح پیغمبر

سید اولاد پیغمبر.

ش

شاشعشاش

نامیده‌ای برای شاهنشاه.

شاش

نامیده‌ای برای شاه.

شَرُّوژِی

نام کتابی سیاسی و تئوریک و رادیکال از «علی عبدالرضایی»، تئوریسین حزب (ایران‌اشیسم) براندازان.

شاش‌زاده

نامیده‌ای برای آنان که خود را از کون‌فیل‌افتاده می‌پندارند، نام دیگر شاه‌زاده یا مؤالی استمرار طالب «مصطفی تاج‌زاده».

شاش قایم سلیمانی

حاج قاسم سلیمانی.

شیهه

شیعه.

ض

ضرب‌زورا

زور زورکی، به گونه‌ای که نیروی مقابل از حرکت و مقاومت باز ایستد.

ط

طرفدار طلبی

میل به کسب طرفدار، بدون توجه به کیفیت و سطح شعور و آگاهی آنها.

عن چه گه؟!!

در زبان گیلکی یعنی «او دیگر چه می‌گوید!»، کنایه از شخصی که مهمل می‌بافد.

عنتخابات

انتخاباتی که منجر به انتصاب عَن‌ها می‌شود.

عن‌قلاب اسلامی

انقلاب اسلامی.

عمام

امام، عمه‌گاییده.

عملیات ساعتِ سیاه

نام یکی از عملیات‌های ایران‌شویست‌ها که در آن، در یک شب و در ساعتی مشخص (۲۱:۰۰)، ۵۰۰ از بالهدانی که روی آن نوشته شده بود «بیت رهبری»، توسط پارتی‌سان‌ها در ۱۵۰۰ نقطه ایران به آتش کشیده شد.

عملیات غلطخوانی

عملیاتی که در آن پارتی‌سان‌ها با ایجاد تغییر در شعارهای حکومتی در سطح شهرها، معنای تازه و براندازانه‌ای را به دست می‌دهند.

عملیات سپیدخوانی

عملیاتی که در آن پارتی‌سان‌ها به حذف نشانه‌های حکومتی از سطح شهرها می‌پردازند.

غ

غَدِيرِيدَم: ريدن به «عيد غدیر خم» و آن‌ها که می‌گویند: «غدیری‌ام!».

غَدِيرِ مَادِرْسَيِّدَا

نامیده‌ای برای عيد غدیر؛ عيد مادر جندگان.

ف

فاحشه‌سادات

زنان فاحشه‌ای که در لباس مجری و خبرنگار و فعال اجتماعی برای جمهوری اسلامی مزدوری می‌کنند و نام اغلب آن‌ها، پسوند «سادات» دارد، مانند «فاطمه‌سادات، معصومه‌سادات، مریم‌سادات، رقیه‌سادات و...».

فَرشِ گِرد

نامیده‌ای برای «شبکه فَرش‌گِرد» که در آن جمعی از حزب‌اللهی‌ها و تحکیم‌وحدتی‌ها را دور هم گرد آورده‌اند و در لباس براندازان مدام سنگ «رضا پهلوی» را به سینه می‌زنند.

فِرادست

نامیده‌ای برای اهالی سرمایه و قشری از جامعه که به قدرت حاکم متصل هستند.

فِرودستان

طبقه پایین اما به ستوه آمده و آگاه در جامعه سرمایه‌داری؛ کسانی که «می‌خواهند، اما نمی‌شود».

ق

قاطر سلیمانی

نامیده‌ای برای «قاسم سلیمانی».

قهرمانان غایب

نامیده‌ای برای جان‌باختگان جنبش براندازی در دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸.

قمبلیزیشن

پروسهٔ باج‌دادن‌های متوالی جمهوری اسلامی به قدرت‌های دنیا برای بقای بیشتر.

قمبل‌علی خایمی

نامیده‌ای برای «سیدعلی خامنه‌ای»، پس از نرمش‌های قهرمانانه و قمبل‌کردن‌های

پی‌درپی در برابر قدرت‌های دنیا.

قیام شیعه

نامیده‌ای در پاسخ به مزدورانی که سعی داشتند قیام مردم عراق (مهر و آبان و آذر ۱۳۹۸)

را صرفن به شیعیان عراق ربط دهند.

قیام فرودستان

قیام مردم ایران در دی ۱۳۹۶ که با شعار «اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، دیگه تمومه

ماجره!»، حکومت جمهوری اسلامی را از مشروعیت انداختند.

قیام آبان

قیام مردم ایران پس از افزایش قیمت بنزین در آبان ۱۳۹۸ که ناگهان از هزار تومان به

سه‌هزار تومان افزایش یافت و در آن هزاران تن از جوانان ایران توسط امت تازی به خاک

و خون کشیده شدند.

ک

کارگران فولادی

استعاره‌ای از کارگران فولاد خوزستان.

کارناوال محرم

نامیده‌ای برای مراسم عزاداری محرم.

کارناوال‌های انتخاباتی

استعاره‌ای از هفته‌های پیش از انتخابات در ایران که خیابان‌ها را کارناوالی از تبلیغات فرا می‌گیرد و همچنین نام یکی از کتاب‌های تئوریک و سیاسی «علی عبدالرضایی» که در آن به حربه‌های انتخاباتی جمهوری اسلامی پرداخته است.

کمپین هشدار

نام یکی از جنبش‌های حزب ایرآنا شریست که طی آن، فعالان حزب، علامتی قرمز (ضربدر) را روی دیوار خانه‌ی مزدوران جمهوری اسلامی گذاشته و به خانه‌ی آنان نامه می‌فرستادند که «این آخرین هشدار است! اگر چنانچه در تظاهرات دوباره مردم را سرکوب کنید، با شما برخورد بسیار سختی خواهد شد».

کمپین رفیق فابریک

کمپینی که در آن، هر شخص شناسنامه خود را با شناسنامه دوست صمیمی خود تعویض می‌کند؛ به طوری که هیچ‌کدام نتوانند در انتخابات و رای‌گیری‌های جمهوری اسلامی شرکت کنند و با چنین عملی، دوستان خود را به عدم شرکت در انتصابات دعوت می‌کنند.

کثیفی

ملا و پاسدار و بسیجی و تمام اسلامیت‌های انیرانی.

کذاب‌العربیه

نامیده‌ای برای خبرگزاری دروغ‌پرداز «العربیه» که در چندین خبر دروغ، به «موتا» اتهام‌هایی را وارد کرد.

کمپین جان

کمپینی بر پایه‌ی گرایش‌های اکوسوسیالیستی در راستای احیای طبیعت.

کرکی‌توله

نامیده‌ای برای ملایان که به‌طور نمادین از زمره شاگردان و پیروان و نوادگان «محقق کرکی» محسوب می‌شوند.

کمدی سیاسی

تکرار مداوم اشتباهی خنده‌دار در عرصه‌ی سیاست، مانند انقلاب‌های پی‌درپی مردم ایران در طول ۱۱۰ سال گذشته که همواره منجر به برپایی یک دیکتاتوری تازه شده است.

کموسلمان

کمونیست‌های مسلمان یا مزدورانی که تحت آموزه‌های «حزب توده»، همواره مدافع منافع روسیه در ایران محسوب می‌شوند.

کوکتل پارتی

عیاشی با «کوکتل مولوتف».

کون‌تی‌وی

نامیده‌ای برای «تلویزیون من‌وتو».

کوروشیسم

جنبشی برای پاسداشت دستاوردهای «کوروش»، پادشاه ایرانی.

کونبلا

کربلا.

کیر حسین کوسوی

میر حسین موسوی.

کیر مال تبریزی

«کمال تبریزی»، کارگردان مزدور صداوسیما و کسی که سریال کثیف «شهریار» را ساخت و به تحریف شعر و زندگی «ایرج میرزا»، شاعر بزرگ ایران پرداخت.

گ

گاو دکفته باغ

باغ و جالیزی که گاوها به آن هجوم برده باشند؛ کنایه‌ای از جلسات مجلس شورای اسلامی ایران و دیگر نشست‌های بی‌سروته مسلمانان.

گشت ارشاش

گشت ارشاد.

گه‌مسلمون

بسیار مسلمان؛ اسلام‌یست بنیادگرا، کله‌گیری، بی‌مغز.

گرگ نزدیک

اشاره به استعمار روسیه.

گرگ دور

اشاره به استعمار آمریکا.

گوزنیوز

نامی برای وب‌سایت خبری «گویانیوز».

ل

لا اله الا لاو

پروردگاری جز «عشق» نیست، عنوان یکی از کتاب‌های «موتا».

لیبرتانیگی

نام جنبشی اعتراضی با شعارهایی بر بدن‌های برهنه.

لیبرزن

ترکیبی از چند واژه «زن و Liberté و Labor» که به «کارگران زن و دختران آزاد ایرانارشیست» اطلاق می‌شود.

لیدر میدانی

لیدر تظاهرات و شورش‌های محلی؛ کسی که در تظاهرات جهت شعارها را عوض کرده و سمتی براندازانه به آن‌ها می‌دهد و نیروهای معترض را هدایت می‌کند.

لیدری ضدلیدر

اشاره‌ای به «علی عبدالرضایی»، لیدر براندازی که ضد هرگونه قدرت و مقامی است.

مادر سید

کسی که تازیان به مادرش تجاوز کرده باشند و نامش از پیشوند انیرانی «سید» برخوردار است، اشخاصی چون «سیدروح‌الله‌الموسوی خمینی، سیدعلی خامنه‌ای و سیدمحمد خاتمی».

مسدود گهنود

نامیده‌ای برای «مسعود بهنود».

مستر اپورتونیست

نامیده‌ای برای «رضا پهلوی».

موالی

برده.

مراسم کاندیدگایی

جنبشی که در آن، بنرهای تبلیغاتی کاندیداتورها توسط جوانان برانداز به آتش کشیده شده یا پاره می‌شود و همچنین، ارسال نامه‌های تهدیدآمیز برای کسانی که قصد دارند نماینده مجلس شوند.

مبارزه مهدنی

مبارزه مدنی، مبارزه منوبُگن، کنایه‌ای به عشوهای مبارزاتی برانداز نمایان که هرگز اهرگز از گُل نازک‌تر به سران جمهوری اسلامی نگفته‌اند.

مزدورآزاری

عملیات تهدید و ترساندن مزدوران جمهوری اسلامی.

ملاپاسدار

هم حراستی هم امنیتی، هم پاسدار هم ملا، یک جاعشی بشدت انیرانی.

ملاتاریا

نظام ملایی-نظام ملاپاسداران.

ملاتاریسم

گرایش ارتجاعی که طرفدار بقای ملاتاریاست.

ملاپدوفیلی

ملای بچه‌باز.

ملا تکانی

تنبیه کردن ملا؛ ملاگایی

ملاسوزی

سوزاندن ملا.

ملاشاشی

شاشیدن به ملا.

ملاشاه

ترکیبی از دو واژه «ملا و شاه»؛ نامیده‌ای برای ملا و شاه که دو روی یک سکه‌اند و

هم‌چنین، اشاره به ولی فقیه (سیدعلی خامنه‌ای) دارد.

ملاکراواتی

اشاره به شیک‌پوشانی با تفکر آخوندی.

ملاکوته

فرزند ملا؛ «کوته» در زبان گیلکی، به زاده حیوانات گفته می‌شود.

ملاگایی

عملیاتی برای هراساندن ملایان، گاییدن ملا.

ملانتر بوق

ملای نکبت‌زده (رجوع شود به ماجرای شاه‌عباس و ملانتر بوق).

ملایسم

راه و روش ملایی.

مسلمات

ترکیبی از دو واژه «مسلمانان و حیوانات».

مُحرم‌گریزی

نام عملیاتی برای تخریب مجالس ضدایرانی محرم.

مهرمانی

مهربانی؛ بودوباشی مهراندیشانه.

ملّی‌منقلی

کنایه از مزدوران ملّی‌مذهبی که هیچ ربطی به ملّت ندارند و در اعمال سیاسی‌شان مدام منافع ملّی را فدای مذهب کثیف خود کرده‌اند.

ملای جبل‌عاملی

اشاره به «محقق کرکی».

مزدورخانه

کنایه‌ای از مساجدی که پاتوق نیروهای بسیج است؛ پایگاه بسیج.

ملارانی کامیون‌داران

اشاره‌ای به تحصن کامیون‌داران برای مطالبات حقوق خود از ملاتاریا.

میرحسین پهلوی

نامیده‌ای برای «رضا پهلوی» که بازیگر نقش «میرحسین موسوی» طی دو سال اخیر (۱۳۹۶ و ۱۳۹۸) بوده است.

ملاونزوئلا

کنایه به ملایان و ارتباط تنگاتنگ آنها با رئیس‌جمهور دیکتاتور ونزوئلا.

ن

نوکِ تیزِ کلمه

واژه‌هایی که در زبان عوام به فحش یا الفاظ رکیک معروف هستند.

نوتازی

نسل تازه تازی‌ها.

نیروی انتزاعی

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی (جاعش).

و

وژوزه مو

نامیده‌ای برای «معصومه علی‌نژاد»؛ مسیح علی‌نژاد.

هتل اوین

نامیده‌ای برای زندان اوین که برای برخی از وابستگان رژیم به هتل تبدیل شده و برخی از سلول‌های آن، به‌مثابهٔ هتلی پنج‌ستاره، با اجاره‌های میلیونی است.